

# حمایت از آزادی هنر در نظام بین‌المللی حقوق بشر<sup>۱</sup>

رضا اسلامی\*

نسرین گل‌ریحان\*\*

## چکیده

این مقاله، ضمن بررسی تعریف آزادی هنر نشان می‌دهد که آزادی هنر یکی از مصادیق بارز آزادی بیان است که به‌رغم معنای وسیع و اهمیت بالای آن در اسناد بین‌المللی، کمتر بدان پرداخته شده است. در این بحث تلاش شده است رد پای آزادی هنر در حوزه حقوق مدنی و سیاسی، به‌عنوان حقوق نسل اول، و در میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، به‌عنوان نسل دوم، حقوق بشر نمایان گردد. به عبارت دیگر، آزادی هنر، منفک از آزادی بیان نیست، و مصداقی از این حق اساسی بشر به‌نظر می‌رسد؛ با این تفاوت که آزادی هنر، مطالباتی از حق بر فرهنگ را نیز در پی خواهد داشت، و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، بستر این بخش از حق آزادی بیان است. بررسی حقوق اقشار خاص از جمله حق مردمان بومی، اقلیت‌ها و زنان در خصوص شرکت در زندگی فرهنگی از مباحث بررسی شده در این مقاله است.

**کلید واژه‌ها:** آزادی هنر، آزادی بیان، میثاق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، میثاق مدنی و سیاسی، اقلیت‌ها، بومیان.

---

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۹/۱۲

<sup>۱</sup>. تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۵/۱

\* استادیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

\*\* کارشناس ارشد حقوق بشر دانشگاه مفید.

هنر، راهنمای آزادی و آزادی خود، مولد هنر واقعی است. هنر و موفقیت، همراه با مشکلات فراوانی از درها و پنجره‌های بسته زیادی به یکدیگر نزدیک می‌شوند. سانسور، تعقیب هنرمندان، وضعیت نامناسب اقتصادی این قشر و جلوگیری از خلق، و ارائه هنر به مناسبت محدودیت‌ها، مشکلاتی بوده‌اند که همواره در مسیر آزادی هنر قرار داشته‌اند.<sup>۲</sup> محدودیت‌های بی‌رویه‌ای که به صورت قانونی توسط برخی دولت‌ها به بهانه فرهنگ‌سازی، حفظ فرهنگ و مانند اینها اعمال می‌شود و در مسیر هنرمندان قرار می‌گیرد، دستاویزی بوده است که همواره در راه هدایت جریان‌های فرهنگی و هنری، مورد استفاده قرار گرفته است. حال آن‌که همین امر در بسیاری موارد، خود مانع توسعه و رشد این مقوله شده است.<sup>۳</sup>

هنر، امری نیست که ساخته و پرداخته شرایط موجود باشد، و طی برنامه‌ریزی‌های فرمایشی شکل گیرد. هنر، پدیده‌ای سیال است که از دل اجتماع بیرون می‌آید. بنابراین برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌های فرهنگی از سوی دولت باید با دقت انجام گیرد تا به صورت عامل مخربی در این راستا، قرار نگیرد. چرا که تأثیر سیاست در آن، به شکلی نابود کننده، غیر قابل انکار است.<sup>۴</sup>

توجه اعلامیه جهانی حقوق بشر، به حق شرکت در زندگی فرهنگی به طور آزاد، و بهره‌مندی از منافع هنر، نشانگر این امر است که هنر، در حیات بشر فوق‌العاده با اهمیت است و بالطبع، آزادی هنر باید در فهرست آزادی‌های اساسی قرار گیرد. در آغاز، به نظر می‌رسد آزادی هنر، واژه‌ای مستقل از آزادی بیان نخواهد بود و آنچه در راستای دیگر مصادیق آزادی بیان ذکر می‌شود باید در این حیطه نیز عنوان شود. به رغم این که آزادی هنر، چیزی خارج از دنیای آزادی بیان نیست، اما دنیایی است که در آن خلاقیت انسان و شکوفایی شخصیت انسانی در سطح عمیقی قابل بررسی است، و تأثیر بسزای آن در حیات بشر، به دلیل ابعاد زیبایی‌شناختی آن، بسیار قابل تأمل و شایسته تأکید است.

## ۱. مفهوم آزادی هنر

هنر و حقوق، دو دنیای متفاوت هستند که در نقاطی به هم می‌رسند. پیوند حقوق و هنر، جلوه‌گاه دو دنیا است، که در پیچه‌هایی به روی هم می‌کشایند تا هنر، در چارچوب حقوق، مسیر اجتماعی خود را یافته و حقوق، مانند مفاهیم دیگر، در دامان هنر جلوه‌گر شود.<sup>۵</sup> هنر را نمی‌توان به آسانی تعریف کرد. شاید هنر، قلمرویی است که در آن کسی از کسی پیشی نمی‌گیرد، و در نهان هر آدمی نهفته است. می‌توان هنر را، به عنوان رسانه‌ای در انتقال معنا قلمداد کرد که به صورتی زیبا، معانی را منتقل می‌کند. تاتار کویچ، هنر را این گونه تعریف کرده است: «هنر، مجموعه‌ای به هم پیوسته از مفاهیم است که همانند رسانه، در پی انتقال معنا به شیوه‌ای زیباست».<sup>۶</sup> هنر، برای انتقال معنی، نیاز به آزادی دارد که جز در کسوت آزادی نمی‌توان بیان حقیقی را از هنر انتظار داشت. وقتی سخن از آزادی در اجتماع می‌شود، حقوق رخ می‌نماید، و این جاست که تقابل میان آزادی هنر و محدودیت‌های قانونی پیش می‌آید.

حقوق، شبکه‌ای از قوانین و محدودیت‌ها است، و در راستای قیاس هنر و حقوق، می‌توان گفت هنر حقیقی مخاطب خود را به فکر می‌برد و مفاهیمی را به همراه لذت بهره‌مندی به مخاطب عرضه می‌دارد. این در حالی است که

<sup>۲</sup> Nice, Halna, *Cultural Rights and Wrongs*, UNESCO Press, 1998, p. 21.

<sup>۳</sup> مجابی، جواد، نگاه کاشف گستاخ، نشر افق، چاپ اول ۱۳۸۳، ص ۳۹.

<sup>۴</sup> ارنست، فیشر، ضرورت هنر در روند تکاملی اجتماعی، ترجمه فیروز بشرلو، انتشارات توس، ۱۳۵۴ ص ۲.

<sup>۵</sup> Nice, op. cit., p. 21.

<sup>۶</sup> قزلسفلی، محمدتقی، تحلیل عملکرد سیاست در هنر، پایان‌نامه دکتری، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، سال ۱۳۸۰ ص ۶۴.

حقوق از گذشته شروع شده و در عین حال علمی امروزی است. یک هنرمند خلاق همواره درگیر با بسیاری از مسائل زمان و مکان خود است<sup>۶</sup> که انعکاس افکار وی توسعه جامعه را در پی خواهد داشت.

## ۱-۱. تعریف آزادی هنر

هنر، قسمتی از زندگی است که حیات بخش فرهنگ نیز هست. هنرمندان، هویت فرهنگ خویش هستند. وقتی حقوق، محدودیت‌های ضروری را در حیطه هنر، که خود قسمت اعظم فرهنگ جامعه است، ایجاد می‌کند، هویت جامعه‌ای را قالب می‌بخشد. در این اعمال محدودیت، نباید هنر قربانی شود. چرا که فرهنگ یک جامعه، که باید در برهه زمانی خاصی بنا به نیاز جامعه شکل گیرد و هویت نسل آینده را جان بخشد، تغییر خواهد یافت.<sup>۸</sup> با این تعابیر، ضروری است در آغاز بحث، تعریفی از واژه آزادی هنر، ارائه شود. در تعریف هنر، می‌توان گفت: «هنر، آفرینش صورت‌های نمادین احساس آدمی است».<sup>۹</sup> در ادامه تعریف کلایوبل از هنر، ارائه تعریفی از آزادی ما را به مفهوم آزادی هنر، نزدیک می‌کند. آزادی در مفهوم موسّع، همانا قدرت بر اندیشیدن و یا انجام عمل توسط فرد، براساس اراده و خواسته خود اوست.<sup>۱۰</sup>

بنابراین، می‌توان در آغاز تعریف، آزادی هنر را به این نحو تعریف کرد: «آفرینش صورت‌های نمادین احساس، بر اساس خواست و اراده انسان یا به صورت آزادانه است». در حقوق بشر، آزادی هنر، به‌عنوان مصادیق آزادی بیان، مطرح می‌شود و آزادی هنر، جلوه‌ای از آزادی بیان قلمداد می‌شود. از آن جا که آزادی هنر، نیازمند بستری مناسب در جامعه است، رابطه دولت با هنر، دموکراسی و آزادی هنر نیز از موارد قابل بحث به‌نظر می‌رسد.

آزادی بیان،<sup>۱۱</sup> یکی از بنیادی‌ترین حقوق انسانی است. این آزادی، از یک سو، به‌دلیل کمک به کشف حقیقت‌های انسانی، به توسعه و تحول جوامع انسانی کمک می‌کند، و از سوی دیگر، خودشکوفایی فردی را تقویت، و حتی تضمین می‌کند. آزادی بیان، جلوه‌ای از به‌کارگیری حق تعیین سرنوشت است. از همین رو، در چارچوب نظری، «غایت‌انگاری انسان»، قابل توجیه به‌نظر می‌رسد.<sup>۱۲</sup>

امروزه آثار هنری از قبیل نقاشی، کاریکاتور، فیلم و موسیقی، از جلوه‌های بارز بیان هستند. اهل نظر، ایده‌های عمیق و قابل تأملی در قالب‌های هنری به مخاطبان خود، منتقل می‌کنند. بنابراین نباید در شمول مفهوم آزادی بیان، نسبت به فرآورده‌های هنری تردید کرد. به‌نظر می‌رسد، امکان تولید فرآورده‌های هنری برای بسیاری از افراد، از تولید فرآورده‌های فکری، قلمی و کلامی چه‌بسا بیشتر و فراهم‌تر باشد.<sup>۱۳</sup>

آزادی بیان، فراتر از مرزهاست. این حق در کل، صرف‌نظر از مرزهای ارتباطی، باید مورد احترام باشد، و به‌عنوان مقوله‌ای مجزا، بررسی شود.<sup>۱۴</sup>

## ۱-۲. بررسی حمایت ماده ۱۹ میثاق مدنی، سیاسی و ماده ۲۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر از آزادی هنر

<sup>۶</sup>. Nice, *op. cit.*, n.1, p. 27.

<sup>۸</sup>. آونر، زایس، *زیباشناسی علمی و مقوله‌های هنری*، ترجمه فریدون شایان، نشر آشنا پامنار، ۱۳۶۳، ص ۱۲۳.

<sup>۹</sup>. See Bell. C, *Art*, Oxford University Press, 1987. p. 64.

<sup>۱۰</sup>. سیدفاطمی، سیدمحمدقاری، *حقوق بشر در جهان معاصر*، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۲، ص ۴۴.

<sup>۱۱</sup>. Freedom of Expression

<sup>۱۲</sup>. See Schauer, Frederick, *Free Speech: A philosophical Enquiry*, Cambridge University Press, 1982. p. 79.

<sup>۱۳</sup>. سیدفاطمی، سیدمحمدقاری، «توسعه قلمرو تضییق محدودیت...»، *مجله تحقیقات حقوقی*، شماره ۴۱، صص ۲۴۱-۲۴۲.

<sup>۱۴</sup>. See Nihal, Jayawickrama, *The Judicial Application of Human Rights*, Cambridge University Press, 2002, p. 697.

در ماده ۱۹ میثاق مدنی - سیاسی، داد و ستد اطلاعات و ایده‌ها در رسانه‌های عمومی، برای تبیین آزادی بیان مورد توجه قرار گرفته است. همچنین نفی مرزهای سرزمینی به‌عنوان توجیه اعمال محدودیت، به دریافت یا انتقال اطلاعات و ایده‌ها از دیگر موارد تصریح شده است.

با توجه به ماده ۲۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر، و آزادی شرکت در زندگی فرهنگی و حق بهره‌مندی از فنون و هنرها و برخورداری از حمایت‌ها از منافع معنوی و مادی هنر، بحث بهبود وضعیت آزادی هنرمندان نیز قابل توجه است. ماده ۱۹ میثاق مدنی سیاسی عنوان می‌دارد: هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آن است که کسی از داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد؛ و در کسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن به تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات مرزی، آزاد باشد.

ماده ۲۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر، حمایت از هنر را با ذکر واژه هنر، متذکر می‌شود:

۱. هر کس حق دارد آزادانه در زندگی فرهنگی اجتماعی شرکت کند؛ از فنون و هنرها متمتع شود و در پیشرفت علمی و فواید آن سهیم باشد؛

۲. هر کس حق دارد از حمایت منافع معنوی و مادی آثار علمی، فرهنگی یا هنری خود، برخوردار شود.

با توجه به ماده ۲۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر و آزادی شرکت در زندگی فرهنگی و حق بهره‌مندی از فنون و هنرها و برخورداری از منافع معنوی و مادی هنر، بحث چگونگی آزادی هنرمندان نیز طرح می‌شود. با عنوان این مطلب، باید تأکید کرد که آزادی احتیاج به محافظت و حراست دارد.<sup>۱۵</sup>

علاوه بر اعلامیه جهانی حقوق بشر، که تحت لوای ماده ۱۹ و ۲۷ به این موضوع اشاره‌ای داشته است؛ میثاق مدنی سیاسی در ماده ۱۹ تحت مبحث آزادی بیان، به آن پرداخته است.

ماده ۱۹ میثاق حقوق مدنی سیاسی، چند تفاوت با ماده ۱۹ اعلامیه جهانی دارد:

اول؛ ذکر جداگانه و مطلق حق داشتن نظر بدون مداخله است؛

دوم؛ تفصیل بیشتر ماده ۱۹ اعلامیه است. هر فردی باید حق آزادی بیان داشته باشد؛ این حق شامل آزادی، جست‌وجو، دریافت و انتقال اطلاعات و اندیشه‌ها از هر نوع، بدون توجه به مرزها - خواه شفاهی، مکتوب یا چاپی به شکل هنر یا از طریق هر رسانه‌ای به انتخاب خود - است؛

سوم؛ در اعلامیه جهانی حقوق بشر، در خصوص محدودیت‌ها بر آزادی بیان به‌طور خاص، چیزی وجود ندارد؛ ولی در بند ۳ ماده ۱۹ میثاق محدودیت‌های مجاز برحق آزادی بیان هم قید شده است.<sup>۱۶</sup>

در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، مسئولیت‌ها و محدودیت‌های ویژه‌ای<sup>۱۷</sup> در ارتباط با آزادی بیان، مورد تأکید قرار گرفته است. در حالی که در اعلامیه جهانی حقوق بشر، حق آزادی بیان، جهت حفظ حقوق دیگران پیش‌بینی شده است.

با این حال، مبانی دیگر تحدید، که در ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر ذکر شده است؛ چنین محدودیت‌هایی را تنها برای به‌جا آوردن الزامات عادلانه اخلاق و نظم عمومی و رفاه عام، در یک جامعه دموکراتیک مجاز می‌داند؛ در حالی که شرط مشابه موجود در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، تحدید آزادی بیان را به الزامات یک جامعه

<sup>۱۵</sup>. Nice, *op. cit.*, p 24.

<sup>۱۶</sup>. حبیبی مجنده، محمد، حقوق مالکیت معنوی و حقوق بشر؛ تعامل‌ها، تعارض‌ها، رساله دوره دکتری حقوق بین‌الملل، ۱۳۸۴، دانشگاه شهید بهشتی.

<sup>۱۷</sup>. See Maher, Gerry, *Freedom of Speech: Basis and Limits*, Printed in the Fed. Rep. of Germany 1986, p. 20.

عادلانه مربوط نمی‌سازد.<sup>۱۸</sup>

ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر، تصریح می‌کند: «هر کس حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی تفحص و تجسس و اشاعه اطلاعات و افکار از هر قبیل بدون توجه بسرحداات خواه شفاهی یا به صورت نوشته یا چاپ شده یا به صورت هنری یا هر وسیله دیگر به انتخاب خود می‌باشد».

میثاق مدنی سیاسی، شمول آزادی بیان را نسبت به تولیدات هنری تسری می‌دهد و از آن جا که هنر با تمام مصادیق خود تعریف می‌شود، بیان، با هر شکل اعم از نقاشی، سینما، تئاتر، خط، موسیقی و غیره، باید آزاد باشد؛ هر چند بند «ج» ماده فوق استثنائاتی را قائل شده است، که احترام به حقوق یا حیثیت دیگران و حفظ امنیت ملی یا نظم، سلامت یا اخلاق عمومی، از موارد محدودیت بر آزادی بیان می‌باشد، که بالطبع، هر نوع مصادیق بیان را نیز شامل می‌شود.<sup>۱۹</sup>

مخبر ویژه کمیسیون حقوق بشر، برای پیشبرد و حمایت از حق آزادی نظر و بیان، در گزارش خود در سال ۱۹۹۴ «آزادی اندیشه و بیان» را حقی بنیادی دانست که «مدنی» بودن این حق، به این دلیل است که ظرفیت آن را دارد که این حوزه، از حیات فرد در برابر دست‌اندازی‌های ناروای دولت حفظ کند؛ از این جهت، حق آزادی اندیشه و بیان حقی سیاسی است. این «حق» را می‌توان حقی اساسی توصیف کرد، که برخوردار از آن نشانگر میزان بهره‌مندی از تمام حق‌های بشری مندرج در منشور بین‌المللی حقوق بشر است.<sup>۲۰</sup>

شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد، در ۲۸ جولای ۱۹۹۳ تصمیم کمیسیون حقوق بشر، جهت تعیین مخبر ویژه را تأیید کرد. از آن تاریخ تا ۱۲ دسامبر سال ۲۰۰۳ یازده گزارش، از سوی مخبر ویژه تسلیم کمیسیون شده که عمدتاً به بررسی وضعیت آزادی بیان، در کشورهای مختلف می‌پردازد.

## ۲. آزادی هنر و حق بر فرهنگ

رد پای هنر را در دل حقوق مدنی — سیاسی — به‌عنوان حقوق نسل اول — و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی — به‌عنوان نسل دوم حقوق بشر — می‌توان پیدا کرد. هر چند نباید از این نکته غافل بود که آزادی هنر، به‌عنوان حقی مستقل در منشور حقوق بشر ذکر نشده است: این امر، چنین مسأله‌ای را برای ما محتمل می‌سازد که آزادی هنر، نباید چندان واژه‌ای کلیدی در فهرست حقوق بشر باشد. اما آن چنان که اشاره شد، آزادی هنر چیزی منفک از آزادی بیان نیست، و مصداقی از این حق اساسی بشر شمرده می‌شود؛ با این تفاوت که آزادی هنر، مطالبه‌ای از حق بر فرهنگ را در پی خواهد داشت، و بستر حقوق اقتصادی، اجتماعی، زمینه تبلور این بخش از حق آزادی بیان است. بنابراین، برای درک آزادی هنر، بررسی حق بر فرهنگ ضروری به نظر می‌رسد. در بخش حاضر، ارتباط آزادی هنر و حق بر فرهنگ، به‌عنوان حقی اساسی از حقوق نسل دوم حقوق بشر، بررسی می‌شود.

بشر، در طی قرون و اعصار، در ضرورت حیات طبیعی و بقای زندگی فریاد آزادی، و فرهنگ آزاد سر داده است.<sup>۲۱</sup> بنابراین، فرهنگ به همان گونه که به وجود آورنده زبان است، به وجود آورنده هنر نیز هست. بعضی از فرهنگ‌های بدوی، دارای یک اسطوره‌شناسی یا دین واقعی نیستند؛ ولی همه در طول تاریخ از یک ریشه، یعنی هنر، حتی روی ابزار یا روی

<sup>۱۸</sup>. رجوع شود به سخنرانی مایکل فریمان، مدیر وابسته مرکز حقوق بشر دانشگاه اسکس انگلستان در سومین میزگرد گفتمان ایران و اتحادیه اروپا در زمینه حقوق بشر، ۹-۱۸ اکتبر ۲۰۰۳ بروکسل.

<sup>۱۹</sup>. See Franklyn S. Haiman, *Freedom of Speech*, Northwestern University 1977.

<sup>۲۰</sup>. حبیبی مجنده، پیشین.

<sup>۲۱</sup>. جعفری، محمدتقی، □ فرهنگ پیرو فرهنگ پیشرو، نشر مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، ۱۳۷۹، ص ۱۴۹.

### ۱-۳. انعکاس آزادی هنر در حق بر فرهنگ

حق بر فرهنگ، به این معناست که هر فردی حق دارد به صورت آزادانه در مؤلفه‌های فرهنگی مربوط به خود بدون این که دغدغه‌ای داشته باشد، شرکت کند. حق بر فرهنگ، در حقوق بشر، به عنوان یک حق انسانی است. حق یک انسان است که از فرهنگ و مزایای فرهنگ و علم، بهره‌مند شود؛ بدون آن که دولت، دخالت کند.<sup>۲۳</sup> میثاق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، در ماده ۱۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر، خود به طور اخص، به حق بر فرهنگ، می‌پردازد و دولت‌ها را در این رابطه متعهد می‌داند.<sup>۲۴</sup> همچنین تحت قوانین حقوق بشر بین‌المللی، دولت‌ها تعهد دارند تا فعالیت‌های فرهنگی را ترویج کنند و در حفظ آن کوشا باشند؛ به ویژه فعالیت‌هایی که دارای ارزش جهانی هستند.

به‌رغم پیشرفت‌هایی که طی دهه گذشته در زمینه تفسیر و روشن شدن مفهوم تعهدات مندرج بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صورت گرفته است، هیچ معاهده حقوق بشری، مانند میثاق مزبور، به نحو مکرر نقض نمی‌شود. این امر با ماهیت تعهدات و حقوقی که میثاق موجد آن‌هاست، ارتباط ندارد؛ بلکه مسائل مربوط به درک و فهم، و عزم دولت‌ها بیش از هر محدودیت حقوقی یا رویه قضایی، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را در برزخی نسبی از مسائل جهانی برای تضمین حقوق بشر، قرار داده است.<sup>۲۵</sup> ماده ۱۵ میثاق مذکور، فرهنگ را، برای نتیجه دادن سه مفهوم منفک از هم، ولی معتبر، و منطبق بر هم بیان کرده است.

۱. «فرهنگ، در یک معنای کلاسیک روشنفکرانه، به معنی قانون و مقررات سنتی عرفی، هنر، ادبیات، موسیقی،

تئاتر و غیره است؛

۲. فرهنگ، در یک معنای کثرت‌گرا، به معنی و مفهوم تمام محصولات (تولیدات) و مظاهر خلاقانه می‌باشد، و بیانگر مفهومی است که نه تنها فرهنگ عالی و متعالی را در برمی‌گیرد، بلکه، مظاهر بیشتری از فرهنگ متعالی، همانند تبلیغات رادیویی و تلویزیونی، جراید و مطبوعات عمومی عامه، موسیقی معاصر مردمی، مسابقات و سرگرمی‌ها و صنایع دستی همه‌ی مردمان را شامل می‌شود؛

۳. فرهنگ، در معنای انسان‌شناسانه، تنها به مفهوم مظاهر، نمودها و حقایق هنری از خلاقیت و بیان خلاقانه نیست که در دو معنای اول بدان اشاره شده است؛ بلکه، بیشتر به معنای الگو و طریقه بنیادین و سازنده تفکر، در یک اجتماع، طریقه و راه زندگی آن اجتماع می‌باشد.

حق بر فرهنگ واجد مؤلفه‌های متنوعی به شرح زیر است:

- حق بر مشارکت در زندگی فرهنگی؛
  - حق بر بهره‌مندی از منافع پیشرفت‌های علمی؛
  - حق فرد بر منتفع شدن از حمایت‌های مادی و معنوی از نتایج حمایت‌های علمی، ادبی، هنری؛
  - حق بر آزادی، از دخالت دولت بر پیگیری‌های خلاق یا علمی؛
- فرهنگ، حوزه کامل فعالیت‌ها و ایده‌های یک گروه از مردم، با شرکت داشتن سنت‌هایی که انتقال داده شدند و

<sup>۲۲</sup>. برشت، برتولت، نظاره هنر و هنر نظاره، ترجمه پرویز پهلوان، نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۲، ص ۶۴.

<sup>۲۳</sup>. Nice, op. cit., p. 34.

<sup>۲۴</sup>. Roeger, keffee, *The Right to Cultural Left Linder is of the ICESR*, Oxford University Press, 1998, pp. 907 – 908.

<sup>۲۵</sup>. حبیبی مجنده □، محمد، حقوق مالکیت معنوی و حقوق بشر؛ تعامل‌ها، تعارض‌ها، رساله دوره دکتری حقوق بین الملل، ۱۳۸۴، دانشگاه شهید بهشتی.

مستحکم شده‌اند، می‌باشد. معضل سرقت تولیدات فکری، خطری برای تنوع فرهنگی و مانعی در راه توسعه صنعت فرهنگی، به‌شمار می‌آید. بنابراین، باید میان حمایت از حقوق اخلاقی و اقتصادی هنرمندان از یک سو، و تداوم دسترسی همگانی بر دانش آثار علمی و هنری و خدمات فرهنگی از سوی دیگر، نوعی تعادل برقرار شود.<sup>۲۶</sup>

از یک سو، بخش اعظم آزادی هنر، مولد حق شرکت در زندگی فرهنگی است؛ بدین معنا که آزادی هنر، منجر به این امر می‌شود که مردم برای حفظ هنرهای اصیل و بومی خود، و حفظ هویت خویش، بدون واگمه اقدام کنند؛ به عبارت دیگر، در حفظ فرهنگ خود و ترویج آن، با مانع روبرو نشوند.

در بخش A، قسمت ۱ ماده ۱۵ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی تصریح شده است که دولت‌های طرف این معاهده، حق هر فردی را به شرکت<sup>۲۷</sup> در زندگی فرهنگی<sup>۲۸</sup> به رسمیت می‌شناسد.

در باب این حق به رسمیت شناخته‌شده، باید اذعان داشت که از جانب نویسندگان میثاق، توجه ناکافی به تضمین آن، یعنی تضمین حق شرکت در زندگی فرهنگی، شده است. در واقع، تضمین کافی و وافی در این ارتباط صورت نگرفته است. علاوه بر این، هیچ ارزیابی از کارهای انجام‌شده توسط کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، برای اجرای ماده ۱۵ میثاق صورت نگرفته است؛ این وضع برای آزادی هنر، وخیم و بحرانی قلمداد می‌شود.

به نظر می‌رسد ماده ۱۵ صرفاً یک ماده برای رفع تبعیض و تحقق عدم تبعیض نیست. همچنین بر طبق میثاق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، دولت‌ها باید گام‌هایی را برای دستیابی تدریجی به تحقق کامل حقوق، برشمرده‌شده در میثاق بردارند. لذا، یک دولت تنها با رفع کردن هر مانع در جهت اجرای حق مندرج در ماده ۱۵ تعهد خود را رفع نمی‌کند، یعنی رفع موانع در جهت مشارکت برابر هر کدام از شهروندان در زندگی فرهنگی در اجتماع، رافع تعهد دولت و تحقق آن به صورت کامل نیست.<sup>۲۹</sup>

کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، در عین این که تدابیر و راهکارهای قانونی را به تصویب می‌رساند، بلکه دولت‌های عضو را برای تحقق اجرای کامل حق مندرج در ماده ۱۵ نیز تشویق می‌کند. گزارش‌های ارائه‌شده توسط دولت‌ها در خصوص اتخاذ این تدابیر، گویای آن است که دولت، شرکت در زندگی فرهنگی را، تنها در تئوری ارج نهاده و در عمل، به آن وقعی نگذاشته است، بلکه آن را نکوهش می‌کند.<sup>۳۰</sup> در بحث هنر، واژه‌ای که ممکن است تکرار شود، «آفرینش»<sup>۳۱</sup> است، و «خلق»<sup>۳۲</sup> یا «ساختن»<sup>۳۳</sup> هم‌مطراز واژه، استفاده می‌شوند.<sup>۳۴</sup> هر چند که نویسندگان میثاق، درباره حق شرکت در زندگی فرهنگی مندرج در ماده ۱۵ به صراحت، قید «آزادانه بودن» را بیان نکرده‌اند؛ قیدی که در مواد اعلامیه جهانی حقوق بشر وجود دارد. اما، آن‌ها به روشنی بر این باورند که حق بر مشارکت در زندگی فرهنگی، باید

<sup>۲۶</sup>. مقدمه اعلامیه جهانی یونسکو درباره تنوع فرهنگی، ر. ک.:

*Cultural and Linguistic Diversity in the Information Society*, World Summit on The Information Society Press, 2005.

<sup>۲۷</sup>. Takepart

<sup>۲۸</sup>. Cultural Life

<sup>۲۹</sup>. ICESER, ART. 2 (1) *The Committee Elaborated on The Mature of States Parties Obligations Under Art .2 (1) in General Comment No. 3 (1995)*.

<sup>۳۰</sup>. See The prefatory statmt statement made to the third committee of the General Assembly A/C. 3/ SR. 795 Para6.

<sup>۳۱</sup>. Create

<sup>۳۲</sup>. Making

<sup>۳۳</sup>. Construction

<sup>۳۴</sup>. لنگر، سوزان، اهمیت فرهنگی هنر، ترجمه بابک قهرمانی، مجموعه مقالات نظاره هنر، سال ۱۳۸۲، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ص ۶۷.

شامل آزادی آفرینشگرانه، عمل و خلق باشد، یعنی آفرینش یک امر فرهنگی، خلاقیت هنری و ادبی و..... همچنین، بهره‌مندی و لذت بردن<sup>۳۵</sup> از آن‌ها باید آزادانه باشد.<sup>۳۶</sup>

## ۲-۳. آزادی هنر و حمایت از گروه‌های اجتماعی

از آن‌جا که اقشار آسیب‌پذیر، همواره در معرض تضییع حقوق قرار دارند و قدرت کافی برای دفاع از خود ندارند، باید حمایت‌های ویژه‌ای برای این گروه پیش‌بینی شود. چه‌بسا تفاوت‌های زبانی، نژادی و مانند این‌ها، زمینه عدم حمایت از این گروه‌ها را توسط دولت فراهم می‌سازد. بنابراین، حق مشارکت در زندگی فرهنگی و بهره‌مندی از آداب و سنن، موضوعی قابل تأمل است. در روبه کمیته حقوق بشر، شیوه زندگی خاص نیز جزء عناصر فرهنگی اقلیت‌ها محسوب می‌شود.<sup>۳۷</sup>

بومیان نیز، به دلیل وجود شیوه متفاوت زندگی و وابستگی سرزمینی‌شان، همواره مورد بی‌اعتنای دولت‌های حاکم قرار گرفته‌اند. از آن‌جا که هنرهای بومی بیانگر هویت این قشر است، نه تنها باید محیطی آزاد برای خلق این هنرها وجود داشته باشد، بلکه باید برای حفظ و رشد این هنرها برای نسل‌های بعدی تدابیری اندیشیده شده با موانعی که این هنرها را به مخاطره می‌اندازد، مقابله شود. کمیته حقوق بشر، اعلام می‌کند که اعمال حقوق فرهنگی در شیوه‌های مختلفی ظاهر می‌شود.<sup>۳۸</sup> این نوع حمایت، در جهت حفظ هویت بشری است.

گروه دیگری که جز اقشار آسیب‌پذیر در این بحث جای می‌گیرد، زنان هستند. هر چند ارتباط مستقیمی میان قشر زنان و آزادی در هنر خاصی که زنانه قلمداد شود، وجود ندارد، لکن، شرایط اجتماعی زنان فرصت‌های فراوانی را در جوامع مختلف از آنان می‌گیرد، و اجازه ظهور هنرهای فردی را به آنان نمی‌دهد. شرایط اجتماعی از قبیل سنت و مذهب، فرصت را برای نوآوری زنان در زمینه هنر از آنان می‌گیرد. بنابراین، از میان اقشار آسیب‌پذیر، بررسی اقلیت‌ها، بومیان و زنان در این مجال، بحث خواهد شد.

## الف: اقلیت‌ها

تعریف ثابتی از اقلیت‌ها در ماده ۲۷ میثاق مدنی، سیاسی وجود ندارد، ولی آنچه از نظریه عمومی در رابطه با اقلیت‌ها استنباط می‌شود این است که اقلیت‌ها به افرادی اطلاق می‌شود که متعلق به یک گروه هستند و در یک عرف، فرهنگ، مذهب و زبان با هم سهیم‌اند. اقلیت‌ها همانند بومیان، قشر آسیب‌پذیر به‌عنوان جزئی از کل، محسوب می‌شوند.<sup>۳۹</sup> همچنین، ممکن است گروهی که اکثریت را در ایالتی تشکیل دهند نیز در کشور یک اقلیت محسوب شوند. اقلیت، گروهی است که در داخل کشور از لحاظ تعداد نسبت به کل در سطح پایین‌تری است. بنابراین، اقلیت‌ها در مواجهه با اکثریت در اجرای مراسم آئینی و سنتی خود دچار مشکل هستند، و هنرهای بومی و سنتی آن‌ها در سیر تاریخی با وجود بی‌توجهی، سرکوب و غیره در معرض نابودی قرار گرفتند.<sup>۴۰</sup>

<sup>۳۵</sup>. Enjoy

<sup>۳۶</sup>. A/C.3/sr. 796. paras.12, 14 (Pakistan) para. 30 (China) : A/c. 3 (Indonesia) Para. zo (Sweden)

<sup>۳۷</sup>. Kitok Case. Para. 9, 3 Landsman Case, Para. 9,3.

<sup>۳۸</sup>. General Comment, no 23, Para. 7.

<sup>۳۹</sup>. □. خوبروی پاک، محمدرضا، اقلیت‌ها، نشر شیراز، ۱۳۸۰، ص ۷.

<sup>۴۰</sup>. See The Prosecutor v Georges Anderson Nedrubumwe, Case No ICTR – 96 – 3- A.



کمیته فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی یک مفهوم از فرهنگ را به عنوان ملیت (کل) عنوان می کند و ملیت را گروهی می داند که طریقه زندگی مشترک دارند. این موضوع مورد نگرانی کمیته مذکور در جهت تحقق حق شرکت یا مشارکت در زندگی فرهنگی گروه های توسعه نیافته و آسیب پذیر مورد توجه قرار گرفته است.<sup>۴۱</sup>

به عبارت دیگر، طریقه و شیوه زیستن این گروه ها به ویژه اقلیت های زبانی، مذهبی، قومی و بومیان — که همان فرهنگ است - ممکن است به اسباب مختلف موجود در کل آن سرزمین مورد آسیب قرار گرفته، لطمه دیده و یا حتی از بین برود. بنابراین اقلیت ها، باید از آزادی لازم در پرداختن به فرهنگ و هنر خاص خود را برخوردار باشند و مورد حمایت نیز قرار گیرند.<sup>۴۲</sup> تنوع فرهنگی و احترام به فرهنگ ها ما را وادار می کند که به آزادی هنر در میان بومیان و اقلیت ها پردازیم؛ چرا که احترام به فرهنگ ها و حفظ فرهنگ ها با باور تنوع فرهنگی به پایداری هنرهای بومی و سنتی کمک خواهد کرد.

از سوی دیگر، تنها راه رسیدن به صلح پایدار، گفت و گوی فرهنگ ها است که باید جایگزین برخورد فرهنگ ها شود، و بستر آن، برخورداری از آزادی در پرداختن به فرهنگ و هنر هر قوم و اقلیت است.<sup>۴۳</sup>

### ب: مردمان بومی

امروزه، حق شرکت در زندگی فرهنگی، به عنوان یک معیار بین المللی، با صراحت مورد تأکید قرار گرفته است. ضروری است حمایت آزادی پرداختن به هنرهای سنتی و بومی ملل از سوی دولت ها صورت گیرد تا زمینه صلح پایدار و توسعه به عنوان نسل سوم حقوق بشر، مهیا شود.<sup>۴۴</sup> مردمان بومی، حق تصمیم گیری مستقل دارند و از آن طریق می توانند به طور آزادانه موقعیت سیاسی خود را تعیین کنند، و آزادانه پیشرفت و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود را دنبال کنند.<sup>۴۵</sup> اما، پرسش مهم این است که، مردمان بومی به چه کسانی گفته می شود؟ مردمی که قبل از تصرف یک سرزمین توسط جوامع استعماری، در آن سکونت داشتند و یا خود را از جوامعی که در حال حاضر به قلمرو آنها حکومت می کنند، متمایز می دانند مردمان بومی نامیده می شوند.<sup>۴۶</sup> تعریف پیش گفته، تعریفی نسبتاً جامع، از مردمان بومی است.

جمعیت مردمان بومی در سراسر جهان، بین ۳۰۰ تا ۵۰۰ میلیون نفر است، و در حدود ۸۰ درصد تنوع فرهنگی و زیستی جهان را در بر می گیرند. کمیته میثاق مدنی، سیاسی، متذکر می شود که کشورهای عضو باید برای تضمین حقوق وابستگان اشخاص اقلیت های نژادی و بومی گام بردارند، و مردم بومی باید مثل یک اقلیت تحت ماده ۲۷ حمایت شوند. آن ها شاید اقلیت نباشند، اما وضع ویژه ای دارند.<sup>۴۶</sup>

به رغم این تنوع گسترده، در جوامع بومی سراسر جهان، تمام مردمان بومی در یک نکته با هم مشترک هستند؛ آن ها در تاریخ بی عدالتی سهیم هستند. در بسیاری موارد، آن ها قربانیان کشتار جمعی بودند،<sup>۴۷</sup> و حقوق آن ها در شرکت در فرآیندهای حکومت نظام های حکومتی کنونی انکار شده است. میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق

<sup>۴۱</sup>. Keefe, op. cit, p 919.

<sup>۴۲</sup>. Indigenous people, [www.melbornuniversity.com](http://www.melbornuniversity.com).

<sup>۴۳</sup>. See Eyal, Benvenisti, "Margion of Appreciation, Consensus, and Universal Standards", *International Law and Politics*, 1999, vol. 31.

<sup>۴۴</sup>. اعلامیه تنوع فرهنگی، ۲۰۰۴.

<sup>۴۵</sup>. اعلامیه حقوق مردمان بومی، ماده ۳.

<sup>۴۶</sup>. People Indigenous, *Melborn University Press/ www. Melborn University*.

<sup>۴۷</sup>. Martin Scheinin, *Minority Rights: Additional Rights or Added protection*, Marinus Nisho. f publishers 2003.

اقتصادی اجتماعی و فرهنگی تصریح می کند مردمان بومی حق تعیین سرنوشت را دارند، و از آن طریق می توانند به طور آزادانه وضعیت سیاسی خود را تعیین کنند، و پیشرفت و توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی خود را دنبال کنند.<sup>۴۸</sup> به هر حال، دولت‌ها در طول تاریخ، به دلیل بیم از تجزیه طلبی اقوام بومی، از ظهور هویت مستقل آنان ممانعت کرده‌اند و این امر، برای آن‌ها مشکلاتی را که پیشتر ذکر شد، به همراه داشته است. اما آنچه به حیطه بحث ما مربوط می شود، حقوق مردم بومی در راستای اشاعه فرهنگی و آزادی در برخورداری از آداب و سنن و هنرهای بومی آن‌هاست که بعد بسیار مهمی از زندگی بومیان را تشکیل می دهد.

محافظه کاری دولت‌ها، آزادی بومیان را در حفظ فرهنگ خود و مشارکت در حیات فرهنگی که قسمت عمده آن حفظ هنرهای بومی و سنتی آنان است، محروم می سازد. کمیته حقوق بشر، بر حمایت از بومیان تأکید می کند. به عنوان نمونه، در دعوی علیه دولت کلمبیا، مبنی بر ممانعت از فعالیت باستان‌شناسان در آثار باستانی، کمیته حقوق بشر دفاعیه دولت کلمبیا را که در جهت حمایت از مردمان بومی ساکن منطقه بود، می پذیرد.

### ج: زنان

اجحاف در حق زنان، خاستگاه‌ها و زمینه‌های متفاوتی چون فرهنگ، سنن، آداب و رسوم منحنی دارد<sup>۴۹</sup> و نیز، در هر دوره از تاریخ، بر حسب نوع سیاست که جامعه در پیش گرفته است. بدین سان، موضع متفاوتی در برابر حقوق زنان اتخاذ شده است. لذا، مسائلی که هم اکنون، در حیطه هنر در پیش روی زنان وجود دارد؛ در جوامع مذهبی و سنتی قابل تأمل می باشد و وجود محدودیت‌هایی که براساس سنت و مذهب زمینه حضور در عرصه هنر از قبیل سینما، موسیقی و غیره را با تنش‌هایی روبرو می سازد.<sup>۵۰</sup>

بر طبق ماده ۱۵ برای تحقق آزادانه اعمال آفرینش هنر این کافی نیست که دولت‌ها تنها اجازه آزادی ابداع را تضمین کنند؛ بلکه آن‌ها همچنین باید تضمین کنند که اعمال نهادهای شبه دولتی و حتی نهادهای خصوصی، حقوق شهروندان را که در ماده ۱۵ مورد حمایت قرار گرفته و آزادی ارتکاب و بهره‌مندی از آن‌ها را نقض نکنند.<sup>۵۱</sup> بدین منظور، دخالت نهادهای مذهبی در سطح و جایگاهی از زندگی فرهنگی به دقت به وسیله کمیته حقوق بشر، مورد بررسی قرار گرفته است. در واقع نهادهای مذهبی به واسطه دخالت خود، حق بر آزادانه ابداع کردن آثار هنری، ادبی، علمی و فرهنگی را از بین می برند. حقی که ملازمه یقینی با آزادی فکر و بیان، حق مصرح در میثاق حقوق مدنی و سیاسی دارد.<sup>۵۲</sup> در این زمینه کمیته به طور خاص، نگرانی عمیق و شدید خود را نسبت به اعمال منفی علیه حق شرکت در زندگی فرهنگی، به واسطه مقام‌های مذهبی ابراز کرده است.<sup>۵۳</sup>

قوانین و مصوبات موجود، در سطح جامعه ایران، در زمینه آزادی هنر و هنرمندان، هنوز به شکل کامل و شفاف ارائه نمی شود. گاهی اوقات نظرات سلیقه‌ای، گذرگاه‌های متعدد برای کسب مجوز خلق آثار هنری و کسب مجوز عرضه آن هنر را با تنش روبه رو می سازد. به نظر می رسد با تبیین ضرورت هنر در جامعه و ضرورت پرداختن به این مقوله، راه برای قانونگذاری مفیدتر و هموارتر وجود قانون، خود به کمک آزادی خواهد آمد.

قانونمداری، نماد و نشانه احترام‌پذیری دولت‌ها در جامعه بین‌المللی گردیده و هر دولتی هر چند خودکامه، برای

<sup>۴۸</sup>. بخش اول، ماده ۱ اعلامیه ۱۹۶۶.

<sup>۴۹</sup>. قربانیا، ناصر، *بازپژوهی حقوق زن*، انتشارات روز نو، ۱۳۸۴، جلد اول، ص ۵.

<sup>۵۰</sup>. توحیدی، نیره، *فمینیسم، دمکراسی و اسلام‌گرایی*، لس آنجلس؛ ۱۳۷۵، ص ۵.

<sup>۵۱</sup>. See E / 1991 (23, PARA 80).

<sup>۵۲</sup>. See e / 1989 / 22 / Para. 238; E/199223/Para. 284.

<sup>۵۳</sup>. E/ 1994/ 23 / Para. 128.

رانده نشدن از جامعه بین‌المللی، ادعای قانونمداری می‌کند. در جوامع معاصر، قانونمداری یک الزام اخلاقی و ارزشی است که مشروعیت دولت بدان وابسته است.<sup>۵۴</sup> ماده ۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر و مقدمه این اعلامیه، بر این ضرورت تأکید می‌نمایند.

#### ۴. اسناد بین‌المللی خاص در رابطه با حمایت از هنرمندان

تأکید یونسکو به حفظ حقوق بشر و مخالفت آن با تبعیض نژادی، سبب شده است این سازمان به حمایت از هنرمندان روشنفکران و آموزگاران که به خاطر آرای سیاسی خود زندانی شده‌اند برخیزد.<sup>۵۵</sup> یونسکو، تنها نهاد سازمان ملل محسوب می‌شود که به‌طور مستقیم در ارتباط با حفظ و حمایت از آزادی هنر و قشر هنرمندان در حال فعالیت است. هر چند این نهاد با بحران مالی و مشکلات جدی در این راستا روبرو است، اما تاکنون گام‌هایی بسیار مؤثر در این راستا، برداشته است.

یونسکو اعلام کرده است که هنرمندان نقش مهمی را در زندگی و پیشرفت جامعه بازی می‌کنند، و هنرها در حالت انفرادی و یا جمعی، تأثیر بسیاری بر جامعه می‌گذارد. به همین دلیل، موقعیت هنرمندان به‌عنوان مسأله‌ای حاد، باید مد نظر قرار گیرد و برای بهبود آن اقدام شود.<sup>۵۶</sup> همچنین سازمان بین‌المللی کار، نقش مهمی در هماهنگی بین دو نهاد، برای رفع مشکلات کار هنرمندان در زمینه استخدامی و حرفه‌ای دارد.

پیشنهاد واصله در کنفرانس عمومی یونسکو در ۲۱ بخش دسته‌بندی شده است، و شرح‌دهنده شرایط هنرمندان است. همین ترتیب، با ارجاعات مشخص در مورد مسائل دولتی و کپی‌رایت، و در عمل، سایر حقوق مرتبط با بحث آزادی هنر در این اعلامیه، می‌توان به راهنمایی‌هایی درباره اصول برخورد دولت‌ها با مسأله هنرمند دسترسی پیدا کرد. افراد و گروه‌های جدید ابداع کرده و توسعه داده‌اند که چگونگی شناخت هنرمند در اجتماع را نشان داده و رابطه نزدیکی با فرمول موقعیت‌سازی فرهنگی در حق بر فرهنگ دارد. این پیشنهادها باید در قالب چارچوب کاری دیده شود و همین‌طور مربوط به فعالیت‌های یونسکو در قالب هنرمندان باید تولیدکننده و خلاق در همه ابعاد باشند، بخصوص موقعیت‌هایی که اقتصاد در آن نقش مهمی داشته و آن را با موقعیت اجتماعی هنرمند تطبیق داده است که باید کشورها با تمرین بدان برسند. یونسکو بر حق فرهنگ که آزادی هنر تحت لوای آن بررسی می‌شود تأکید بسیار زیادی داشته است. یونسکو در مقدمه اعلامیه‌ها و نشست‌ها به کرات اذعان داشته که کل جامعه جهانی و حق بر فرهنگ خواستار توجه ویژه‌ای هستند.

#### ۴-۱. حمایت از هنر در اعلامیه ۱۹۹۷

یونسکو در اعلامیه جهانی ۱۹۹۷<sup>۵۷</sup> به تبیین جایگاه هنرمندان، همت گمارده و به حمایت از هنرمندان، نویسندگان و اجراکنندگان در تمام اشکال آن پرداخته است. یونسکو در طی کنگره جهانی، برای وضعیت معیشتی و استخدامی هنرمندان، راهکارهایی را در ۵۰ بند پیشنهاد می‌کند. در این اعلامیه، یونسکو طرح‌هایی را با تکیه بر رابطه هنر و اقتصاد و تکنولوژی روز عنوان می‌کند، که از جمله پایه‌های اساسی طرح‌شده، می‌توان به مواردی اشاره کرد که در آن به

<sup>۵۴</sup>. امیرارجمند، اردشیر، «حاکمیت قانون، شرط تحقق حقوق بشر»؛ سخنرانی‌های جمع‌آوری‌شده از دومین جلسه مذاکره دو جانبه ایران و اروپا، چاپ دانمارک، سال ۲۰۰۳، ص ۸۳.

<sup>۵۵</sup>. آقایی، داوود، سازمان بین‌المللی، انتشارات دانشگاه تهران، سال ۱۳۸۲.

<sup>۵۶</sup>. Nice, op. cit., p. 1.

<sup>۵۷</sup>. World Congress on the Implementation of the Remediation Concerning the status of the Artist 1997.

اختصاص بودجه در زمینه حمایت از خلاقیت هنرمندان تأکید می‌کند، و عنوان می‌دارد که در هر کشور، هر ساله دستکم یک درصد از کل درآمد عمومی، برای خلاقیت هنرمندان فعال، اختصاص داده شود. کشورها اعم از پیشرفته یا در حال توسعه، باید به این امر پردازند، و مؤسسات خصوصی در این زمینه، نقش بسزایی را ایفاء می‌کنند.

در راستای حمایت مالی برای رشد و ارتقاء هنر، عملکرد مؤسسات خصوصی و فعالیت آن‌ها در پیشرفت و توسعه هنر، نقش بسزایی دارند. از آن‌جا که برای اعتلای هنر به حمایت مالی نیاز است، اگر این حمایت مالی از سوی دولت، به شکل گسترده‌ای به قشر هنرمندان تعلق گیرد، به صورت گزینشی برای افراد و هنرهای خاص، که در راستای اهداف دولت قدم بر می‌دارند، انجام خواهد گرفت. این امر، چیزی جز قربانی شدن خلاقیت هنرمند و آزادی هنر در پی نخواهد داشت. یونسکو، در اعلامیه ۱۹۹۷، بر تأثیر اقتصاد بر هنر، تأکید می‌کند. امروزه منابع خصوصی و دولتی، مسئول و گردآورنده خواسته‌های هنرمندان در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه هستند. این عمل، کاملاً اختیاری صورت گرفته و فعالیت یونسکو در این زمینه، به‌طور اعم، شامل مواردی چون شناخت و عمومی کردن موقعیت‌های موجود برای منابع خصوصی در زمینه هنر در سطح جهانی است.

## ۲-۴. حمایت از هنر در توصیه نامه ۱۹۸۰ بلگراد<sup>۵۸</sup>

این اعلامیه تصریح می‌کند یونسکو در صدد عمومی کردن موقعیت‌های موجود برای منابع خصوصی در زمینه هنر، در سطح جهانی است. مسأله حائز اهمیت این است که مسئول گردآورنده خواسته‌های هنرمندان در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، منابع خصوصی و دولتی می‌باشد. تمرکز بر منابع دولتی و توسعه زیاد این منابع، با توجه به عملکرد و اقدام دولت در جهت آزادی هنر و رشد شخصیت هنرمندان، چندان مطلوب به نظر نمی‌رسد. به همین دلیل یونسکو، توجه ویژه خود را بر توسعه منابع خصوصی در زمینه هنر، قرار می‌دهد؛<sup>۵۹</sup> چرا که، در جوامع در حال توسعه و حتی امروزه، در جوامع توسعه‌یافته، قدرت دولت با مهار هنر، و در جهت آزادی هنر و رشد شخصیت هنرمندان مطلوب به نظر نمی‌رسد. یونسکو، توجه ویژه خود را بر روی توسعه منابع خصوصی در زمینه هنر قرار می‌دهد؛ چرا که در جوامع، قدرت دولت با مهار هنر و در جهت اهداف خود قرار دادن هنر، می‌تواند پایداری خود را تضمین کند.

یونسکو، همچنین در این توصیه‌نامه قید شده است که بهترین روش یا حالت برای مطمئن شدن از نتیجه یک نوآوری خلاقانه، این است که هنرمند را در جهت گرفتن منابع مالی برای کار خویش فعال کرد. تا به حال، با طرح چندین سازوکار مختلف نیز این امر تأکید کرده است. این مسأله، باعث تقویت و ایجاد نظم بین اجتماع هنرمندان شده است.<sup>۶۰</sup> سود بردن هنرمند، از درآمد حاصل از خلاقیت وی به کارایی و استمرار کارش می‌افزاید.

یونسکو، دیدگاهی را مورد تشویق قرار می‌دهد که جهت خلاقیت در فرهنگ، واحدهای صنعتی کوچک، به وسیله هنرمندان مدیریت شده و باعث ساخت محصولات شود، و خلاقیت هنرمندان، گروه‌ها، به‌طور اخص، در زمینه نوآوری پروژه‌ها، یک عامل دربرگیرنده منابع، محسوب می‌شود.

## ۳-۴. قراردادهای مربوط به مالکیت‌های ادبی و هنری

### الف) قرارداد مונته ویدئو

به دلیل نگرش خاص کشورهای آمریکایی در خصوص حق، قرارداد برن مورد استقبال این کشورها قرار نگرفته و

<sup>۵۸</sup>. Recommendation Concerning the Status of the Artist Belgerad, 1980.

<sup>۵۹</sup>. *Ibid.*, Article 1.

<sup>۶۰</sup>. *Ibid.*, article 8.

در قاره آمریکا، تنها برزیل و کانادا به آن پیوستند. از این رو، سه سال پس از تأسیس قرارداد برن، قرارداد منطقه‌ای مونته‌ویدئو، به تصویب دولت‌های آرژانتین اروگوئه، پاراگوئه، بولیوی و پرو رسید.

### ب) قرارداد ۱۹۶۱ رم

این قرارداد، به منظور حمایت از نویسندگان نمایشنامه‌ها، تولیدکنندگان آثار صوتی، سازمان‌های پخش رادیویی و تلویزیونی منعقد شد.

### ج) قرارداد فونوگرام ۱۹۷۱ پاریس

در ماده ۱ قرارداد فونوگرام، ثبت انحصاری صدای نمایش یا سایر صداها ذکر شده است. قرار داد فونوگرام، به دنبال سوء استفاده از آثار صوتی و صفحات موسیقی و تکثیر غیر مجاز آن‌ها به تصویب رسید.

### د) قرارداد ۱۹۸۴ بروکسل

این معاهده، در ارتباط با پخش امواج مخابراتی به وسیله ماهواره، منعقد شد. قراردادهای اخیر با عنوان قراردادهای جهانی، ناظر به حقوق جنبی شهرت دارند.<sup>۶۱</sup>

آنچنان که در فصل یک، اشاره شد، ماده ۲۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر را می‌توان به‌طور غیرمستقیم در حمایت از آزادی هنر، قابل اعتنا دانست. ماده ۲۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر، مقرر می‌دارد:

۱. هر کس حق دارد آزادانه در حیات فرهنگی جامعه مشارکت کند. از هنرها بهره‌مند شود و در پیشرفت علمی و منافع آن سهم شود؛

۲. هر کسی نسبت به حمایت از منافع اخلاقی و مادی ناشی از هر تولید علمی ادبی یا هنری که آفریننده آن است حق دارد.

در این ماده، سه حق به هم مرتبط می‌شوند: مشارکت در حیات فرهنگی، سهم شدن در پیشرفت علمی و منافع آن، و بهره‌مندی از منافع اخلاقی و مادی ناشی از تولید علمی، ادبی یا هنری. هر چند اعلامیه جهانی از اصطلاح مالکیت معنوی، استفاده نمی‌کند، اما مسلماً بند ۲ ماده ۳ را می‌توان شناسایی‌کننده حقوق مالکیت معنوی به‌عنوان حقی بشری دانست. مقرر مذکور از حق هر انسانی نسبت به منافع ناشی از تولید علمی، ادبی یا هنری که آفریننده آن است سخن می‌گوید.<sup>۶۲</sup>

این بحث در اعلامیه جهانی حقوق بشر، زمینه‌ساز شکل‌گیری این مفهوم در چارچوب حقوق مندرج در میثاق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شد؛ چنانچه در ماده ۱۵ این میثاق، به این حق اشاره شده است. جزء ج بند ۱ ماده ۱۵ میثاق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی در راستای بهره‌مندی از منافع آثار هنری بحث می‌کند.<sup>۶۳</sup> در واقع حمایت از چنین منفعی، تکلیفی است که حق بشری بر عهده دولت‌های عضو، می‌نهد. از این رو ضروری است این عبارت، در سیاق عمومی جزء «ج» که همان منظومه حقوقی مالکیت معنوی است، تفسیر شود.

با آن که عبارت «حقوق اقتصادی» در مورد تمام موضوعات مالکیت معنوی به کار می‌رود، عبارت ترکیبی «حقوق

<sup>۶۱</sup> بیتانه، مسعود، آزادی عقیده و بیان از دیدگاه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، ۱۳۸۰، ص ۱۲۴.

<sup>۶۲</sup> حبیبی‌مجنده، پیشین.

<sup>۶۳</sup> ر.ک.: فتحی‌زاده، امیر هوشنگ و بزرگی، حمید، بایسته‌های الحاق به سازمان جهانی تجارت در زمینه حقوق مالکیت فکری، شرکت چاپ و نشر بازرگانی، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۳.

اخلاقی و حقوق اقتصادی»، در نظام و ادبیات کنونی مالکیت معنوی در خصوص کپی رایت حقوق مؤلفان مورد استفاده قرار می‌گیرد.<sup>۶۴</sup> از آن جا که میثاق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جزء منشور بین‌المللی حقوق بشر است، تنها عنصری است که می‌توان در آن منحصرأ به جست‌وجوی حقوق نسل دوم پرداخت.

بنابراین، در بحث حقوق فرهنگی مندرج در این میثاق، به بحث تعهد دولت و مالکیت معنوی می‌رسیم. البته شایان ذکر است که میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی تنها معاهده حقوق بشری است که حقوق مالکیت معنوی را به رسمیت می‌شناسد. یکی از اهداف یونسکو، چنان‌که در اساسنامه آن آمده است، تشویق جریان آزاداندیشانه و کمک به دستیابی آحاد جامعه به وسایل چاپ و نشر آثارشان است.

#### ۴-۴. معاهده جهانی کپی رایت

یونسکو از طریق تشویق همکاری بین‌المللی در کلیه حوزه‌های روشنفکری و ارائه پیشنهاد در زمینه ضرورت توافقات بین‌المللی، در صدد تحقق این هدف بر می‌آید. ترغیب دولت‌ها برای میدان دادن به خلاقیت‌ها و افزایش دانش ملی، آثار علمی، موسیقی و هنری از دیگر اهداف یونسکو است.<sup>۶۵</sup> نقش یونسکو، در زمینه کپی رایت، از طریق تصویب معاهده جهانی کپی رایت، در سال ۱۹۵۲ تحقق یافت، و در سال ۱۹۷۱ در پاریس، مورد بررسی و بازبینی مجدد قرار گرفت. معاهده یادشده سبب شد تا حمایت از کپی رایت و ایجاد واحد حقوقی، احترام به حقوق پدید آورندگان و گردش بین‌المللی تألیفات یا آثار را به‌ویژه برای مقاصد آموزشی و پرورشی افزایش یابد. در این مورد، هدف همیشگی یونسکو، اطمینان از این مسأله است که اصول اساسی کپی رایت با توسعه آموزشی، علمی، فرهنگی و ارتباطات در جامعه مدرن هماهنگی داشته باشد.

امروزه، تمرکز بر انواع حقوق اجتماعی، محدود به کشور آمریکا نیست. در سال‌های اخیر شمار زیادی از حقوق‌دانان و قضات اروپایی، بر رشد بسیاری از حق‌های صنعتی صحه گذاشته‌اند. با این حال، نقض کپی رایت و دیگر حق‌ها، به‌نحو فزاینده‌ای رو به رشد است.<sup>۶۶</sup>

مسئله افکار و اندیشه‌ها تا زمانی که از حالت یک امر ذهنی خارج نشده و در قالب یک امر عینی تجسم نیابند قابل حمایت نیستند، و اساساً حمایت از اندیشه‌ای که در عالم خارج بروز و ظهور نیافته باشد، بی‌معناست. این بروز و ظهور در هر یک از آفرینه‌های فکری، به‌گونه‌ای است: به‌طور مثال، یک اثر ادبی به‌صورت الفاظ و جمله‌های هدفمند و معنی‌دار، یک اثر موسیقی در شکل نت‌های موزون، و یک اثر هنری در قالب اشکال، رنگ‌ها، خطوط و غیره تجلی می‌یابد. اگرچه در ظواهر امر، بین «اصیل بودن اثر»، که به‌معنای نتیجه فکر پدید آورنده، به‌تثایی و به‌تمامی بودن، و «ابتکاری بودن اثر»، که به‌معنای نو بودن و سابقه نداشتن اثر است؛ تفاوت‌هایی به‌نظر می‌آید. لیکن، برخی از استادان علم حقوق، این دو را در یک معنا به‌کار برده‌اند. بنابراین، اثری قابل حمایت است که اصیل<sup>۶۷</sup> و به بیان دیگر، ابتکاری باشد.<sup>۶۸</sup> قانونگذار ایران، در مواد ۱ و ۲ قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان، با به‌کار بردن کلمه ابتکار و ابداع در جملات مختلف، به این شرط اشاره کرده است.<sup>۶۹</sup>

<sup>۶۴</sup>. بیژنی، مریم، «ایران و دورنمای پیوستن به قانون کپی رایت»، *مجله سیاسی-اقتصادی*، شماره ۲۱۵-۲۱۶، ص ۲۱۸.

<sup>۶۵</sup>. مشیریان، محمد، *حق مؤلف و حقوق طبیعی*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، سال ۱۳۳۹.

<sup>۶۶</sup>. See frederik Abbott, Thomas Cottier and Francis Garry, *The International Intellectual Property System: Commentary and Materials*, Kluwer Law, London, 1999.

<sup>۶۷</sup>. Original.

<sup>۶۸</sup>. صفایی، سیدحسن، *حقوق ملنی و تطبیقی*، نشر میزان، تهران، ۱۳۷۵.

<sup>۶۹</sup>. آیتی، حمید، *قدرت عمومی و حقوق پدیدآورندگان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، ۱۳۷۴.

همچنین ممکن است اخلاق حاکم یا افکار عالی یک جامعه با رأی قانونگذار، اثری را با ارزش ندانسته و آن را مستحق حمایت به شمار نیاورد. به عنوان نمونه، در اواخر سال ۱۹۳۹ در انگلستان، به یک نوشته مضحک که با عنوان «آخرین وصیت نامه آدلف هیتلر» منتشر گردید امتیاز حق پدیدآورنده، اعطا نشد. اگر چه این نوشته، وقیحانه نبود و احتمالاً بسیاری از مردم از مطالعه آن لذت می بردند، اما در غیر این صورت، انتشار نمی یافت. چون، از دیدگاه قاضی، نوشته ای سطحی و ناشایست بود.<sup>۷۰</sup>

حق بهره بردن از آزادی بیان و اطلاعات در مجامع بین المللی، جایگاه خاصی دارد: ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی، دارای بیشترین ربط به این موضوع است. آزادی بیان و اطلاعات توسط این قانون به شما اجازه می دهد که نظرات و عقاید خود را داشته باشید و آن ها را بدون دخالت دولت عرضه کنید.<sup>۷۱</sup>

به هر حال، آنچه واضح به نظر می رسد، رابطه آزادی بیان و کپی رایت است. هرگز نمی توان در فضایی که هنر عرضه شده، و در معرض مخاطره تحریف، سرقت و سوءاستفاده باشد، انتظار آزادی بیان داشت و نیز از هنرمندی که می خواهد نوشته ها، نقاشی ها و موسیقی و فیلم و سایر هنرهای خود را در معرض دید مخاطبان قرار دهد نیز نمی توان انتظار داشت که بدون احساس امنیت این آفرینش را صورت دهد.<sup>۷۲</sup> از آن جا که هنرمند، تمام فکر و روح و اندیشه خود را در قالب اثر هنری خود عرضه می دارد، طبیعی است که سود مادی ناشی از اثر هنری نیز از آن وی باشد و کپی رایت، تنها راهکار مؤثر برای این امر است. چنانچه برای امنیت فکری هنرمندان و برای خلق اثر نیز شناسایی کپی رایت توسط دولت بسیار مؤثر خواهد بود و زمینه ساز خلق آثار و عرضه آن است.

ثبت اثر در ایران، از شناسایی اثر و برخورداری آن از حمایت قانونی به شمار نمی آید، و موجد حق مؤلف تلقی نمی شود. ماده ۲۱ قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان، مقرر کرده است: پدیدآورندگان، می توانند اثر، نام، عنوان و نشانه ویژه خود را در مرکز، که وزارت فرهنگ و هنر، با تعیین نوع آثار آگهی می نماید؛ به ثبت رسانند.<sup>۷۳</sup>

## ۵. محدودیت های آزادی هنر

### ۵-۱. اصول و معیارهای حاکم بر محدودیت ها

آزادی هنر، به عنوان مصداقی آزادی بیان، تحت محدودیت ها و اصول و معیارهای حاکم بر محدودیت های آزادی بیان، حمایت می شود. به عبارت دیگر، محدودیت های موجود برای آزادی بیان، شامل آثار هنری نیز، می باشد و آزادی هنر، تا جایی است که با محدودیت های مقرر برای آزادی بیان، مواجه نشود. بنابراین، محدودیت های بحث شده برای آزادی بیان، کاملاً برای آزادی هنر نیز، قابل طرح است.

اگر چه اعمال هر گونه حقی منوط به رعایت حقوق و آزادی های دیگران و همچنین نظم و امنیت عمومی و سایر شرایط موجود در یک جامعه دموکراتیک است، اما وضع تعریف و اعمال هر گونه محدودیت باید براساس معیار و چارچوب مشخص صورت گیرد، تا از اعمال سلیقه برای ایجاد محدودیت جلوگیری شود.<sup>۷۴</sup> اگر معیار مشخصی برای تعریف نظم عمومی در اختیار نداشته باشیم، تعریف های دلبخواهانه جایگزین تعریف های قانونی خواهد شد. لذا، برای رفع این تناقض ها باید در جست و جوی معیارهایی باشیم تا بر محدودیت ها حاکم کنیم. این اصول و معیارها در ادامه مورد

<sup>۷۰</sup>. آیتی، حمید، همان، ص ۶۱.

<sup>۷۱</sup>. Copyright and Freedom of Expreition in European Diversit0079, [www.cultular.com](http://www.cultular.com) 2006/7/13.

<sup>۷۲</sup>. See wipo introduction to intellectual property: theory and plactice, Geneva, 1998.

<sup>۷۳</sup>. حمید آیتی، حقوق آفرینش های فکری؛ با تأکید بر حقوق آفرینش های ادبی و هنری، نشر حقوقدان، ۱۳۷۵، ص ۷۹.

<sup>۷۴</sup>. بیتانه، پیشین.

بررسی قرار می گیرند.

## ۲-۵. سه شرط ضروری برای اعمال محدودیت

اگر یک دولت بخواهد در موردی آزادی بیان را محدود کند، باید شرایط سه گانه ذیل منطبق باشد:

۱. هر محدودیتی باید بر طبق قانون باشد؛ به این معنا که:

اولاً، اعمال محدودیت باید بر طبق قانون داخلی، پیش‌بینی شده باشد؛

ثانیاً، این محدودیت قانونی باید برای عموم مردم به صورت روشن و صریح و با وضوح کامل عرضه شده باشد؛

۲. محدودیت تعیین شده باید براساس یکی از موارد مندرج و احصاء شده در اسناد بین‌المللی لازم‌الاجرای مربوط،

قابل توجیه باشد؛ به‌ویژه آن که کشوری سند بین‌المللی مربوط را امضاء کرده باشد؛

۳. محدودیت باید در یک جامعه دموکراتیک از ضرورت برخوردار باشد؛ به این معنا که محدودیت اعمال شده

باید در پاسخ به یک نیاز جدی فعالیت اجتماعی باشد. در ضمن، این محدودیت باید متناسب با این نیاز اجتماعی باشد، و

از حد متناسب خارج نشود، و هر دولت نیز باید دلایل عینی و کافی مبنی بر اصالت و جدیت موضوع ارائه نماید.<sup>۷۵</sup>

ناگفته پیداست که وجود یک شرط از شرایط سه‌گانه به تنهایی کافی نیست، بلکه احراز تمامی شرایط سه‌گانه،

برای اعمال محدودیت ضروری است. به‌عنوان مثال، یک دولت نمی‌تواند صرفاً به این دلیل که محدودیتی طبق قانون

داخلی پیش‌بینی شده، به‌رغم انطباق آن با موارد احصاء شده، آزادی بیان را محدود کند و یا این که با وجود احراز دو

شرط اول و دوم، بدون اثبات وجود ضرورت در یک جامعه دموکراتیک نمی‌تواند محدودیتی را که طبق قانون داخلی

پیش‌بینی شده و به‌طور کامل نیز با یکی از موارد احصاء شده منطبق است، توجیه نماید.

## ۳-۵. سانسور و محدودیت

در عرصه هنر، همچنان که در عرصه رفتار اخلاقی این گونه است، آزادی را نباید با بی‌بندوباری خلط کرد؛ و باید

دانست که آزادی مستلزم نقض قوانین نیست: آزادی عبارت است از قدرت اختیار قانونی؛ آزادی میوه خوشگوار ضابطه

است.<sup>۷۶</sup> ضابطه، میراث قرن‌ها تلاش است که به هنرمندان امکان می‌دهد تا آزاد باشند و شاهکارهایی را بیافرینند.<sup>۷۷</sup>

در ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر شده است:

۱. هر فرد، نسبت به جامعه‌ای که فقط در آن توسعه آزاد و کامل شخصیت او میسر است تکالیفی دارد؛

۲. هر فرد، در اعمال حق‌ها و آزادی‌های خود، فقط تابع محدودیت‌هایی خواهد بود که بر اساس قانون، تنها با

هدف تضمین شناسایی و احترام شایسته به حقوق و آزادی‌های دیگران و تأمین اقتضانات عادلانه اخلاق، نظم عمومی و

رفاه عمومی در جامعه‌ای دموکراتیک مقرر شده است.

بدین ترتیب ضروری است به بحث اعمال محدودیت و آزادی هنر نیز توجه کرد. اما، بنا به تأکید کمیته حقوق

بشر، نباید این اعمال محدودیت‌ها به گونه‌ای باشد که خود حق را به مخاطره اندازد.<sup>۷۸</sup> همان‌گونه که ملاحظه می‌شود،

بند ۲ ماده ۱۲۹ اعلامیه، اصولاً این نکته را تصریح می‌کند که استفاده از تمام حقوق و آزادی‌ها مشروط به

<sup>۷۵</sup>. مولایی، مهرداد، «آزادی بیان و محدودیت‌های آن در دادگاه‌های اروپایی حقوق بشر»، فصلنامه رسانه، سال ۱۰، شماره ۲، صص ۳۱-۳۰.

<sup>۷۶</sup>. برتلمی، ژان، «قیدهای دلپذیر»، مجموعه مقالات نظاره هنرمند، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سال ۱۳۸۲، ص ۱۲۹.

<sup>۷۷</sup>. Demas there (۳۲۱-۳۸۴ ق.م) رجل سیاسی و خطیب مشهور آنتی؛ فگراهام، گوردن، فلسفه هنرها، درآمدی بر زیبایی‌شناسی، ترجمه مسعود علیا،

انتشارات ققنوس، ۱۳۸۳.

<sup>۷۸</sup>. General Comment 10 (Article 10).



محدودیت‌هایی به این شرح است: امنیت ملی؛ نظم عمومی؛ منع تبلیغ به جنگ و ترغیب تنفر نژادی، ملی، مذهبی؛ اخلاق؛ حفظ حقوق و حیثیت دیگران.<sup>۷۹</sup>

محدودیت‌های آزادی بیان در حقیقت، محدودیت‌هایی است که بر آزادی هنر، به‌عنوان مصداقی از مصادیق آزادی بیان، اعمال می‌شود. توسل به امنیت ملی از جانب دولت‌ها، به‌عنوان وسیله‌ای برای اعمال محدودیت بر آزادی بیان، در صورتی که دارای هدفی مشروع نباشد، یا ارتباطی با امنیت ملی نداشته باشد، ممنوع است. به علاوه به‌طور مثال، نمونه‌هایی از موارد غیرمشروع توسل به امنیت ملی را بیان کرده است. از جمله مواردی که در این اصل، به آن توجه شده است می‌توان موارد زیر را نام برد:

(الف) عدم اختفای اطلاعات مربوط به عملکرد قوای حکومتی؛

(ب) عدم استقرار یک ایدئولوژی خاص؛

(ج) عدم سرکوب اعتصابات کارگران.

بنابراین، چنانچه افرادی در چارچوب قیود اشاره شده، اقداماتی به عمل آورند، دولت حق ندارد با توسل به امنیت ملی، محدودیتی اعمال نماید.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به صراحت به آزادی هنر، اشاره‌ای نشده است: صراحتی که می‌توان در اصل ۶ قانون اساسی آلمان، مشاهده کرد. لکن، تعبیر اصل ۲۳ قانون اساسی ما را به مراد تدوین‌کنندگان آن، برای پرداختن به آزادی بیان، نزدیک می‌کند: «تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد».

ظاهر این اصل، تنها آزادی عقیده را به رسمیت شناخته است و نه آزادی ابراز عقیده، یعنی آزادی بیان را. اما به‌نظر می‌رسد که مراد تدوین‌کنندگان این اصل، آزادی ابراز عقیده باشد. زیرا، جز در این صورت، وجود آن به‌عنوان متنی از حقوق موضوعه، بی‌فایده است، و معلوم است که دنیای درون هر کس مربوط به خود اوست، و قانونگذار، نه می‌تواند و نه باید خود را متوجه فکر و اندیشه اشخاص، گرداند.

## نتیجه‌گیری

آزادی هنر، مسیری به سوی دموکراسی است و در بستر دموکراسی رشد می‌یابد. آزادی هنر، به هنرمندان خلاق یک جامعه فرصت بیان می‌دهد و حقوق بشر در این فضا تبلور می‌یابد. این امر، در نظام بین‌المللی حقوق بشر، به‌طور غیرمستقیم حمایت شده است. آزادی هنر، از مصادیق آزادی بیان است که خود، به‌عنوان یکی از اصول حقوق اساسی انسان، تلقی می‌شود. لذا این حق، مورد حمایت اسناد حقوق بشری، اعم از منطقه‌ای و جهانی قرار گرفته است.

حق بر فرهنگ نیز، قالب خود آزادی هنر را دارد که اقشار خاص، اعم از بومیان، اقلیت‌ها و... مورد حمایت آن قرار می‌گیرند و این امر، نشانگر اهمیت وجود آزادی هنر است. در عملکرد یونسکو، به کرات شاهد حمایت از هنرمندان هستیم، که به‌عنوان قشر قابل حمایت، به‌ویژه در مقابل عملکرد دولت، مورد توجه قرار می‌گیرند.

حمایت از هنرمندان و آزادی هنری، نیازمند اهتمام بیشتر مجامع بین‌المللی به این موضوع است تا تحت لوای اسناد بین‌المللی، با ضمانت اجرای بیشتر، فضای آزادتری برای هنرمندان، به‌ویژه در جوامعی که محدودیت‌های زیادی در این زمینه اعمال می‌شود، فراهم آید.

<sup>۷۹</sup>. Maher, Gerry, *Freedom of Speech Basis and Limits*, 1986.